

اینتر

هر آن که باسواد است می داند که اینتر یعنی اینترمیلان. وقتی باسواد شدم اندکی متحیر ماندم اما بعد با خودم گفتم باادب شدن و باسواد شدن منطقی است که توام باشد.

لئوناردو هفده سال از عمرش را در میلان بسر برد. به دفترچه هایش که نگاه کنی، طراحی آزمون و خطایی برای اختراع است و همزمان کاوشی در زیر پوست طبیعت تا از خلاقیت خالق سردر بیاورد. لئوناردو به هنگام نقاشی اندام ... خب حتما باید به فکر ساختار ماهیچه ای اش هم بود دیگر مگر نه این است که اندام باید کارش را انجام دهد. مجسمه هم البته لحظه ای است متوقف اما همین جوری که به آن لحظه نرسیده و قرار هم نیست همان جا بماند. کالبد شکافی هایش هم دوست دارد ساختارها را آشکار سازد. مثلا این که تاروپود عصبی چشم چگونه آن را به مغز پیوند زده، هرچند ممکن است ساده پندارانه باشد. نگاه لئوناردو جسم و جان طبیعت را با هم می خواهد.

امروز از آن چه در قرن بیستم دستور کارمان شده بود گذر کرده ایم و تاکید بر جدایی یا ناجدایی دیسپلین ها چیزی جز عقب ماندن از ذهن لئوناردویی نیست. اما جای نگرانی نیست. بازگشت به او تنها راه است.

افشین

راستی لئوناردو پانصد سال پیش از دنیا رفت. یادش گوه‌رین